

قُرب و بُعد علم کلام و حدیث در حوزه علمیة قم دوم (سده چهاردهم شمسی)

رسول رضوی

(استاد گروه کلام و رئیس دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث)

razav.r@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

چکیده

حوزه «قم دوم» که در اوائل قرن چهاردهم هجری شمسی در مرکز فلات ایران و در شهری که حدود هشت قرن پیش از آن حوزه علمیة ای پربار و پررونق داشت، بنیان گذاشته شد. از حیث فقه محور بودن، استمرار حوزه نجف بود و همین امر باعث شد تا جایگاه مباحث کلامی و حدیثی و همچنین رابطه این دو در پرده‌ای از ابهام قرار بگیرد و این سؤال مطرح شود که: در حوزه نوپدید قم، علم کلام با حدیث چه نسبتی داشته و رابطه این دو به چه شکل رقم خورده است؟ در پاسخ جویی این سؤال با استفاده از روش داده‌پردازی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، گزارش‌های مختلفی که درباره زندگی استادان و نویسندگان نامی این حوزه و نگاهی‌های صدسال اخیرشان نوشته شده بود، مورد مطالعه قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که: دو علم یادشده، دو دوره متناوب را در حوزه معاصر قم طی کرده‌اند؛ در دوره اول، کلام با فاصله از حدیث، زمینه غربت حدیث را فراهم ساخته و در دوره دوم، به قرابت با حدیث و هم‌افزایی با آن پرداخته است. کلیدواژه‌ها: کلام حدیثی، غربت حدیث، حوزه علمیة قم دوم، قرابت کلام، قم جدید.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیة قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه تألیف شده است.»

مقدمه

در حوزه‌های علمی امامیه به‌خصوص حوزه‌های علمی کوفه و بغداد، دانش‌های کلام و حدیث در کنار و همراه با هم بنیان گذاشته شدند و بالیدند و آن گاه که این دو علم در قرن سوم و چهارم هجری به حوزه «قم اول»، انتقال یافتند، گرچه علم کلام همچنان در کنار علم حدیث قرار داشت، اما بالندگی حدیث، بیشتر از کلام شد و رنگ حدیثی علم کلام، افزون گشت و چند قرن بعد یعنی قرن هفتم و هشتم نیز آن گاه که نوبت سرافرازی علمی حوزه حله رسید، علم کلام با وجود همراهی با حدیث در نوشته‌های جریان «محدثان - متکلم»، در نگاشته‌های «متکلم - فیلسوفان» از حدیث، بهره کمتری گرفت؛ ولی به هر ترتیب، از آن دوری نگزید و این دو علم در حوزه‌های یادشده و دیگر حوزه‌های علمی امامیه همچون نجف و اصفهان در کنار هم بودند تا هنگامه تأسیس حوزه «قم دوم» در اوائل قرن چهاردهم هجری شمسی فرار رسید و حوزه‌ای نوپا در مرکز فلات ایران و در شهری که حدود هشت قرن پیش از آن حوزه علمی‌ای پربار و پررونق داشت، تأسیس شد. این جا بود که فاصله گرفتن کلام از حدیث، ملموس شد و به تعبیری دیگر، نسبت میان آن دو در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و این مسئله مطرح شد که در حوزه نوپدید قم، علم کلام با حدیث چه نسبتی داشته و رابطه این دو به چه شکل رقم خورده است؟ در پاسخ‌جویی این سؤال با استفاده از روش داده‌پردازی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، گزارش‌های مختلفی که درباره زندگی استادان و نویسندگان نامی این حوزه و نگاشته‌های صدسال اخیرشان نوشته شده بود، بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که متأسفانه در میان پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ علم کلام یا تاریخ علم حدیث، رابطه علم کلام با علم حدیث و قرب و بُعد این دو از یکدیگر در حوزه قم معاصر تا کنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته و پیشینه پژوهشی خاصی در این باره وجود ندارد. همین امر، باعث شد ضمن اهمیت یافتن نگارش چنین پژوهشی برای پر کردن خلأ یادشده، به ضرورت انجام یافتن آن جهت شناخت رابطه دو علم تقریباً همزاد و همراه در حوزه قم معاصر، به تحلیل چگونگی و تحلیل این رابطه پرداخته شود؛ از این رو اکنون می‌توان ادعا کرد که مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که رابطه علم کلام و علم حدیث از آغاز تأسیس حوزه قم معاصر تا زمان حال، دو دوره اصلی را پیموده است:

۱. دوره اول: غربت حدیث در مباحث کلامی در حوزه قم دوم

گرچه به اتفاق گزارشگران تاریخ معاصر ایران، مؤسس حوزه نوپدید قم، آیه الله حائری یزدی، پرورش یافته حوزه نجف هستند، لکن ناگفته پیداست که تأسیس چنین حوزه‌ای آن هم در فلات ایران و در تاریخ و فرهنگی متفاوت از تاریخ و فرهنگ عراق، مستلزم تأثیرپذیری آن از فرهنگ جغرافیای جدید بود؛ جغرافیایی که مردمانش در حال گذر از سنت‌های فرهنگی تاریخی خود و حرکت به سوی فرهنگ نورسیده غربی بودند و طبقه روشن‌فکران این دوره، گذر از سنت به تجدید را به ترک داشته‌ها و تقلید از غرب تنزل داده (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱۳۹۹/۲) و مشروطه را به نفع خود تغییر مسیر داده و دولت پهلوی را به جای سلسله قاجار نشانده بودند (راوندی، ۱۳۵۴: ۱۹۲/۳). این تغییر مزاج در فرهنگ دینی بر روی برخی افراد تأثیر گذاشت و آنان را به فکر بازبینی و تغییر در روش‌ها و باورهای دینی انداخت و در نهایت، به مخالفت با حدیث و متهم کردن آن به ضعف و خرافه انجامید، به گونه‌ای که خواسته و ناخواسته، علم کلام به بهانه‌های واهی از خوان نعمت معارف حدیثی محروم شد و بدین ترتیب، فصل جدیدی به نام «دوره غربت حدیث در مباحث کلامی» ایجاد شد.

۱ - ۱. خاستگاه اندیشه دوری از حدیث

گرچه اندیشه دوری از حدیث، ریشه در صدر اسلام داشت و اولین بار خلیفه دوم با شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (بخاری، ۱۴۱۰: ۹۴/۷؛ مسلم، ۱۴۱۲: ۱۲۵۹/۳) آن را مطرح کرد و موجب شکل‌گیری جریانی شد که مهم‌ترین تأثیر آن، منع کتابت حدیث، نپذیرفتن مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، بروز جریانات ظاهرگرایی در فهم قرآن، وضع و جعل هزاران حدیث، تحریف معنوی قرآن و بروز برخی برخوردهای فیزیکی و خشونت‌آمیز بین مسلمانان بود (هاشمی علی‌آبادی و داورپناه، ۱۳۹۸: ۱۰۶/۶۱)، اما بعدها از رونق این جریان کاسته شد تا این که دوباره در قرن سیزده شمسوی در میان اهل سنت و در جغرافیای شبه قاره هند و مملکت مصر، اندیشه بی‌نیازی از حدیث، از نو، جانی تازه گرفت (همان جا) و به زودی به ایران فرهنگی نیز نفوذ یافت، با این فرق که بسترساز اصلی گرایش به دوری از حدیث، در میان برخی از تجدیدطلبان ایرانی، حوادث تاریخی قرن سیزدهم شمسوی و نیمه دوم عصر قاجار بود؛ چرا که عده‌ای به توهم گذر از سنت به تجدید، از حدیث و روایات شیعی - که نماد سنت به شمار می‌آمد - دست کشیدند و به بهانه یافتن

راهی برای ایجاد وحدت میان گروه‌های مسلمان (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶)، بازیابی عظمت و شکوه گذشته تمدن اسلامی و ایستادگی در مقابل استیلا و استعمار غربی، حدیث شیعه و یا احادیثی را که حقانیت امامیه را اثبات می‌کرد، کنار گذاشتند و باعث غربت حدیث و جدایی مباحث کلامی از آورده‌های حدیثی شدند. در شکل این نوع از نگاه گرچه افراد متعددی نقش داشتند، شاید بتوان افرادی نظیر سید اسدالله خرقانی، شریعت سنگلجی و شیخ محمد خالصی‌زاده را بنیان این شیوه از حدیث‌گریزی دانست (تصدیقی شاهرضایی، ۱۳۹۳: ۱/۱۰۷).

خرقانی (م ۱۳۱۵ ش) تحصیل‌کرده حوزه‌های قزوین و تهران و از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و شیخ هادی نجم‌آبادی بود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۲۳) و قبل از رفتن به حوزه نجف، زبان فرانسه می‌دانست و در حوزه نجف نیز به درس بزرگانی چون آخوند خراسانی حاضر می‌شد تا این که در آستانه مشروطه، دسته‌ای از روحانیون متجدد را پدید آورد (تصدیقی شاهرضایی و مؤدب، ۱۳۹۳: ۲/۲۹) و علم تجددخواهی برافراشت. البته در این تجددخواهی، گویا بیشتر تحت تأثیر اساتید تهرانی‌اش و شاید سید جمال اسدآبادی بود (ر.ک: خرقانی و روحانی، ۱۳۸۴: ۵۶/۳۵؛ تصدیقی شاهرضایی و مؤدب، ۱۳۹۳: ۲/۲۹). او با این که چونان متکلمان پیشین، نگاه‌های کلامی متعددی چون: رساله رد نصاری (کشف الغویة فی رد الهدایه)، رساله اصول عقاید، رساله رد دارونیست‌ها، پنج جزوه رد مبلغین نصاری، رساله نبوت خاصه و ابدیت اسلام و حماسه با ادیان، برهان الساطع فی اثبات الصانع، نشر داد، اما متأسفانه در روش کلامی، رو به افراط نهاد و بیشتر بر کلام، جدا از حدیث تکیه کرد.

مهم‌ترین ادعاهای خرقانی در کتاب محو الموهوم و صحو المعلوم بیان شده است. او تحت تأثیر نظریه «پان اسلامی» (گرائتوفسکی، ۱۳۵۹: ۳۷۲)، این اندیشه را مطرح می‌کرد که «غیر قرآن هر چه از هر که هست، مسکوت عنہ بگذارند تا آن که کلیه عقاید و اصول را از قرآن بیاموزند، مانند اصحاب سعادت. غیر از این علاجی نیست» (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۱۴؛ نیز ر.ک: زارع، ۱۳۹۴: ۱۸۱/۴۴). از این رو می‌نویسد: «میزان صحیح و محکم برای تشخیص عوائد عرفی از اصل شرعی، سه امر است: اول قرآن مجید؛ دوم سنت متقنه بین فرق مختلفه مسلمین؛ سوم عملیات ذات اقدس رسالت در مدت بیست‌وسه سال» (روحانی، ۱۳۸۴: ۵۷/۳۵؛ نیز ر.ک: خرقانی، ۱۳۱۵). قید سنت به «متقنه بین فرق مسلمین»، معنایی جز کنار گذاشتن روایات امامیه که شامل قول و فعل و تقریر امامان دوازده‌گانه بود و البته متقنه بین همه فرق

مسلمین نبود هم می‌شد.

شخصیت دوم که او نیز همانند خرقانی، خارج از حوزه نوتأسیس قم بود، ولی اندیشه‌هایش بر نشینان این حوزه تأثیر گذاشت، محمدحسن شریعت سنگلجی (م ۱۳۲۲ ش) نام داشت. او تحصیلات و مطالعات خود را در مدارس داخل ایران و بیشتر در درس اساتید مکتب حکمت متعالیه به انجام رسانده و محضر اساتیدی چون: عبدالنبی نوری، میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم اشکوری را درک کرده بود (ر.ک: مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۱۱۹) و چهار سال نیز در حوزه نجف فقه می‌آموخت (دهقانی و علیپور سیلاب، ۱۳۹۲: ۳۲/۷)؛ لکن پس از بازگشت به ایران، تحت تأثیر درس‌های اسدالله خرقانی با اندیشه بازگشت به قرآن و به گفته خود، مبارزه با خرافات و بدعت‌های دینی (همان: ۳۳/۷ - ۳۴)، در دام حدیث‌گریزی و در نهایت، حدیث‌ستیزی افتاد. او در مقدمه کتاب کلید فهم قرآن می‌نویسد: «هزارگونه شرک و بت‌پرستی به اسم دین توحید رونق پیدا کرده و هزار قسم بدعت و خرافات به نام سنت پیغمبر رایج شده است و اگر مسلمین به همین طریق پیش بروند و امتیاز میان حقیقت و مجاز داده نشود، هیچ عاقل و درس‌خوانده‌ای در دین نمی‌ماند» (سنگلجی، ۱۳۴۵: ۶).

این شیوه از حدیث‌ستیزی که به نام اصلاح‌گری و خرافات‌ستیزی شکل گرفته بود (ر.ک: مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۱۱۶/۱۱۹ - ۵۱۸)، در حوزه نوتأسیس قم نیز رخ نموده و اندک پیروانی پیدا کرد. از این رو لازم است به پیروان این اندیشه هم اشاره شود:

۱ - ۲. پیروان اندیشه دوری از حدیث در حوزه نوپدید قم

اندیشه کنار گذاشتن حدیث با شعار بازگشت به قرآن در جغرافیای حوزه علمیه قم دوم، از سوی برخی افراد که البته چندان نقش و نفوذی در بدنه علمی این حوزه نوتأسیس نداشتند، دنبال شد و افرادی مثل حکمی‌زاده، برقی و قلمداران (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶)، با کنار گذاشتن روایات در مباحث کلامی، در دام سلف‌گرایی و قرآن‌بستگی گرفتار آمدند.

علی‌اکبر حکمی‌زاده قمی (م ۱۳۶۶ ش) در مدرسه «رضویه» قم - که گویا پدرش آن جا را بازسازی کرده بود و اداره می‌کرد -، به عنوان طلبه درس می‌خواند؛ ولی بعد از بروز دادن افکار تجدّدطلبانه اش خود را خلع لباس کرد. او در سال ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ ش مجله‌ای در قم با نام «همایون» منتشر می‌کرد که تا شماره دوازدهم استمرار یافت و هدفش از نشر این مجله، ترویج

باورهای سنگلجی و کسروی بود (دهقانی و علیپور سیلاب، ۱۳۹۲: ۳۳/۷). خود وی بیش از سی مقاله در آن مجله نوشت. همچنین علی اکبر برقی، ابوالحسن طالقانی، محمدتقی اشراقی نیز در آن مجله مقاله می‌نوشتند. دفتر آنها در مدرسه رضویه قرار داشت؛ ولی پس از مدتی، چاپ مجله متوقف شد و بعد از آن بود که حکمی زاده، کتاب اسرار هزارساله را - که امام خمینی علیه السلام ردیه‌ای بر آن نوشته است - منتشر کرد (همان جا).

دومین پیرو نظریه کنار گذاشتن حدیث، ابوالفضل برقی قمی (م ۱۳۷۰ ش) بود که علاوه بر تحصیل در حوزه قم، گویا سه سال نیز در حوزه نجف اشرف در درس فقهای این شهر شرکت داشت. او در ۴۵ سالگی، این ایده را مطرح کرد که در مذهب شیعه، خرافات زیادی وجود دارد که بر خلاف آموزه‌های قرآن هستند و به گفته خودش، سعی کرد تا با این خرافات، مبارزه کند. او معتقد بود که قرآن، احتیاج به تفسیر ندارد؛ چون تفسیر، نظر انسانی است، در حالی که قرآن، سخنان خداست و هر فرقه اسلامی، به نفع خودش، قرآن را تفسیر می‌کند؛ با این حال، برای غیر عرب‌زبان، باید قرآن را خوب ترجمه کرد، نه تفسیر (ر.ک: محمدی فام و نبوی، ۱۳۹۷: ۹۹/۵۹ - ۱۲۷).

او همچنین در کتاب درسی اش، «ولایت‌ناباوری» خود را به عنوان «اندیشه ولایت تکوینی» مطرح می‌کند و درصدد اثبات آن برمی‌آید (ر.ک: برقی، ۱۳۸۸: ۶۲ - ۶۸) و جایگاه امامان و به دنبال آن حدیث امامیه را مورد تشکیک قرار می‌دهد؛ شاید در ادامه سنت‌ستیزی و به اصطلاح هموارکردن شعار قرآن‌بستگی باشد که برخی از کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه را به فارسی برگرداند و از آرای ایشان حمایت کرد (برقی، الف ۱۳۹۴: ۴۰).

حیدرعلی قلمداران (م ۱۳۶۸ ش) سومین پیرو مسلک حدیث‌ستیزان است (ر.ک: جعفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۳/۴۳ - ۱۵۳؛ موسی‌وند، ۱۳۹۹: ۱۰۴/۱۸۵ - ۲۰۰) که در سی سالگی به خدمت اداره فرهنگ قم درآمد (جعفریان، ۱۳۸۴). او به نوعی ادامه‌دهنده راه سید اسدالله خرقانی و شریعت سنگلجی و از دوستان نزدیک برقی و سید مصطفی طباطبایی بود و از جوانی به آثار محمد خالصی (م ۱۳۴۳ ش) علاقه داشت و از این رو به ترجمه آنها همت گماشت (همان).

در مقالاتی که در نشریات مختلف منتشر می‌کرد، بر شعار اصلاح دین و زدودن خرافات و بازگشت به قرآن تکیه می‌کرد و خود را ناقد غالیان و گرایش‌های غالیانه معرفی می‌کرد و کتاب راه نجات از شر غلات را در این راستا و در نقد و رد شفاعت، زیارت و غلو نوشته بود (ر.ک:

قلمداران، ۱۳۹۵: ۲۷۱، ۳۸۵ و ۵۷۱). در کتاب دیگرش به نام شاهراه اتحاد، اعتقاد رایج شیعه در مورد امامت را زیر سؤال برده بود (ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۰). همین چالش طلبی‌ها باعث شده بود تا برخی او را متمایل به وهابیت‌گری به حساب آورند و سایت‌های وهابی به شدت او و برقی را تمجید و کتاب‌هایشان را ترویج کنند (ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۵: ۲۷۱، ۳۸۵ و ۵۷۱).

برخی از نویسندگان، گرایش به سمت حدیث‌گریزی و حدیث‌ستیزی از سوی این افراد را ایجاد فضایی تفاهم‌آمیز برای رسیدن به وحدت و اتحاد بین مسلمانان دانسته‌اند و بر این باورند که آنان طرح بازگشت به قرآن را با هدف از بین بردن اختلافات بین مذاهب اسلامی ارائه کرده‌اند؛ چرا که در تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که سبب انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، دوری از قرآن و فهم نادرست دین و آموزه‌های قرآنی بوده است و توضیح نداده‌اند که اولاً چرا منشأ اختلافات را احادیث می‌دانند، نه عاملی دیگر؟! ثانیاً اگر بهره‌گیری از حدیث، عامل انحطاط است، پس چرا چنین تمدنی در قرون چهارم و پنجم اسلامی و آن هم بعد از رواج حدیث و علوم مرتبط با آن در قرن دوم و سوم، به وجود آمد؟!

به هر صورت، این افراد و همراهان فکری ایشان با شعار بازگشت به قرآن و با کنار گذاشتن حدیث، اندک اندک از دایره شیعه امامیه بیرون شدند و چون تمایلی به ورود در جرگه اهل سنت نداشتند، در برزخ «از این جا رانده و از آن جا مانده»، گرفتار آمدند.

۱ - ۳. استمراردهندگان اندیشه دوری از حدیث

با مرگ برقی، قلمداران و دیگر سنت‌ستیزان، این اندیشه از بین نرفت و افرادی چون مهدی قاسمیان، محمدتقی محمدی خجسته، سید جلال جلالی و محمدتقی حسینی ورجانی آن را استمرار بخشیدند (غلامی، ۱۳۸۹: ۵۶). این افراد، از سوی برخی که ناخواسته به القاء نوعی مدح دچار شده‌اند، به نام «جریان قرآنیان شیعه» معروف شدند (ر.ک: تصدیقی شاهرزایی، ۱۳۹۳: ۱/۱۰۷؛ عجمی و دیگران، ۱۳۹۷)، در حالی که شاید عنوان «حدیث‌ستیزان» و «منکران سنت معصومان» و یا حتی نام «جداکنندگان عترت از قرآن» برای آنان برانزنده‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که پیروان این جریان - که قرآن را در بخش اعتقادات، کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانستند - چشم خود را بر روی بخش وسیعی از روایات بستند و سنت را به طور جدی، مورد نقد قرار دادند و بدین ترتیب، عقایدی مانند: امامت، شفاعت، توسل، رجعت و شعاعی‌مانند: عزاداری، زیارت و ساخت حرم و گل‌دسته و گنبد و

روایاتی را که در این زمینه وارد شده بود، به شدت مورد انتقاد قرار دادند (ر.ک: تقوی، ۱۳۲۶: ۴ - ۷؛ سنگلجی، ۱۳۴۵: ۴۰ - ۴۱؛ فرید تنکابنی، ۱۳۵۶: ۱۵؛ شعار، ۱۳۶۹: ۸؛ برقی قمی، ۱۳۹۴: ۴۶ - ۵۱؛ همو، ۱۳۹۵: ۱۹/۱).

۲. دوره دوم: قربت حدیث در مباحث کلامی در حوزه قم دوم

همان گونه که گفته شد، نه تنها جریان حدیث‌ستیزی برآمده از هیجانات دوره گذر از سنت به تجدد اواخر قاجار و اوائل پهلوی در بدنه علمی حوزه علمیه قم وارد نشد و امکان یارگیری پیدا نکرد، بلکه با اندکی تأخیر و با کم‌رنگ شدن فشارهای طبقه روشن‌فکر که حکومت پهلوی را برسر کار آورده بودند و با شعار تجدد به دین‌ستیزی می‌پرداختند و با رفتن رضاشاه و ایجاد فرصت جدید، فصل جدید توجّه به حدیث و آغاز احیای قرابت علم کلام و علم حدیث شروع شد و تلاش‌های متعدد و متنوعی برای ملموس کردن این قرابت صورت گرفت که از جمله نمادین‌ترین آنها کتاب اربعین حدیث یا شرح چهل حدیث، امام خمینی (س) بود که در سال ۱۳۱۸ شمسی به زبان فارسی نوشته شد. در این اثر، چهل حدیث از روایات اصول کافی (۳۴) حدیث اول - غیر از حدیث ۱۱ - در مسائل اخلاقی و ۶ حدیث آخر در مسائل اعتقادی) شرح شده‌اند. کتاب دیگر ایشان نیز به نام شرح حدیث جنود عقل و جهل - که به نوعی می‌توان آن را از مباحث مهم لطیف الکلام به حساب آورد - خود نشان از حرکت حوزه قم دوم به سمت احیای حدیث و پرداختن به مباحث اعتقادی - معرفتی داشت؛ اما این نوع از کتاب‌ها آغازی برای بازپژوهی احادیث اعتقادی بودند و بعد از تألیف آنها فعالیت‌های دیگری در تقریب حدیث و کلام صورت گرفت که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲ - ۱. باز آفرینی تراث حدیثی و کتاب «جامع أحادیث الشیعة»

با وجود تلاش گروهی که به اسم بازگشت به قرآن به حدیث‌ستیزی می‌پرداختند و استفاده از حدیث در مباحث کلامی بین المذاهب را مورد هجمه قرار می‌دادند، رجوع به حدیث در حوزه علمی قم همچنان دایر بود و هرگز رخنه‌ای در بهره‌گیری از حدیث در مباحث فقهی ایجاد نشد و علم فقه همچنان با تکیه بر حدیث به تفریع مسائل می‌پرداخت؛ لکن با ورود آیه الله بروجردی در ۹ دی ۱۳۲۳ ش، به حوزه قم، بهره‌گیری فقه از حدیث افزون شد (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۷/۷ - ۳۰) و ایشان بر این بهره‌مندی اکتفاء نکردند و با همکاری شاگردانشان تألیف کتاب حدیثی جدیدی با نام جامع أحادیث الشیعة فی احکام الشریعة را آغاز کردند که کاستی‌های کتاب و مسائل

الشیعة را نداشت و به نوعی، تهذیب، تکمیل، تنقیح و تتمیم کتاب وسائل الشیعة به شمار می‌آمد (ر.ک: رحمان ستایش، ۱۳۸۴: ۳۱۶/۹ - ۳۱۸). گرچه این کتاب، بیشتر روایات فقهی و به دنبال آن، روایات سنن، آداب، اخلاق، دعاها و اذکار را با چینش و نظمی خاص برای تسهیل مراجعه فقها تنظیم کرده، ولی مهم آن است که این کتاب به همراه سیره عملی آیه الله بروجردی، باعث برافتادن فرهنگ نوپدید حدیث‌ستیزی افرادی چون «قرآنیون» شد و زمینه و بستر نزدیکی علوم حوزوی به حدیث و به تبع آن، احیای کلام حدیثی را فراهم ساخت.

۲ - ۲. انتقال و تکمیل تراث حدیثی کلامی هند به حوزه قم

اتفاق جالب توجه در این دوره، انتقال تراث کلامی عظیمی بود که در شبه قاره هند به وجود آمده بود و از داشته‌های علمی مهم شیعه در عرصه کلام - حدیثی به شمار می‌آمد؛ نماد این انتقال دو کتاب زیر بودند.

۲ - ۲ - ۱. ملحقات احقاق الحق

کتاب **إحقاق الحق** و **إزهاق الباطل** از منابع کلامی مهم نگاشته شده در شبه قاره هند بود که از سوی آیه الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (م ۱۳۶۹ ش) در حوزه قم دوم، مورد توجه و بازپژوهی قرار گرفت. ایشان که درس **آموخته عتبات عالیات** بود و به درخواست آیه الله عبدالکریم حائری در حوزه قم جدید مشغول به تدریس شده بود، با احیای کتاب **إحقاق الحق** و **إزهاق الباطل** نوشته قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق) - که در رد کتاب **ابطال نهج الباطل** و **اهمال کشف العاطل**، فضل الله بن روزبهان نوشته شده بود -، جریان کلام حدیثی را در این حوزه تقویت کرد و کتاب **ملحقات احقاق الحق** را - که به همت ایشان و از سوی گروهی که بدین منظور با عنوان «**لجنة التحقيق احقاق الحق**»، در سال ۱۳۳۶ ش تشکیل شده بود - به جامعه علمی تقدیم کرد (ر.ک: موسوی، ۱۳۷۶: ۲). چاپ چنین کتابی که مناقب و فضایل ائمه **علیهم السلام** و حضرت زهرا **علیها السلام** را از تمام کتاب‌های چاپ شده و خطی دانشمندان اهل سنت در حدیث و تفسیر و تاریخ، استخراج و گردآورده بود، نشانی از تقریب حدیث و کلام در حوزه علمیه قم داشت. جالب آن که این کتاب با اندک فاصله‌ای به شیوه نوین در قالبی دیگر و با عنوان **موسوعة الإمامة فی کتب أهل السنة**^۱ بازسازی و پردازش شده است (کوشا، ۱۳۹۰: ۶۹/۱۲۸ - ۷۶).

۱. مرعشی، شهاب‌الدین (۱۳۹۷)، **موسوعة الامامة فی نصوص اهل السنة**، باهتمام محمود مرعشی و محمد اسفندیای. قم: صحیفه خرد و کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.

۲ - ۲ - ۲. نفعات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار

دومین کتاب از تراث کلامی شبه قاره که در حوزه قم جدید مورد بازپژوهشی قرار گرفت، عبقات الأنوار میرحامد حسین (م ۱۳۰۶) بود. او در کتابش سعی کرده با ثبت اسناد و طُرُق، همچنین با توثیق راویان، تحقیق متون و نصوص، تواتر احادیثی چون حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث ولایت، حدیث مدینه العلم، حدیث طبر، حدیث اشباه و.... را قرن به قرن، نشان دهد. او در این کتاب، با تبیین و توضیح معانی و مفاهیم احادیث، دلالت آشکار آنها را نه از یک جهت که از جهات بسیاری بر خلافت و امامت امیرمؤمنان علیه السلام برای همگان آشکار کرده (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۵: ۱/۲ و ۱۸) و کتاب حدیثی - کلامی معتبری را به وجود آورده بود که از آن تعبیر به «کم نظیر» می کنند.

برای بازیابی و بازسازی کتاب عبقات در حوزه قم دوم، از سوی پژوهشگران این حوزه، کارهای متعددی صورت گرفت که از جمله آنها می توان به تلاش آیه الله غلامرضا مولانا بروجردی (م ۱۳۹۴ ش) اشاره کرد (خبرگزاری رسمی حوزه: ۱۳۹۴/۱۲/۲۹). ایشان کتاب خود را با تحقیق و تصحیح قسمت مربوط به حدیث غدیر عبقات الأنوار، تخریج احادیث و اخبار، مقارنه نصوص نقل شده با مصادر و منابع و تعیین شماره جلدها و صفحات در ده جلد، به سال ۱۴۰۴ - ۱۴۱۱ ق در قم منتشر ساخت.^۱

اما مهم ترین تلاش برای احیای این کتاب از سوی آیه الله سید علی حسینی میلانی (متولد ۱۳۶۷ ق) صورت گرفت؛ وی با تلخیص و تعریب مجلدات منتشر شده عبقات الأنوار - که نخست در ده جلد و با عنوان خلاصة عبقات الأنوار انتشار یافته بود و پس از آن با نام نفعات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار در بیست جلد منتشر شد -، به احیای این کتاب پرداخت. در این کتاب از شیوه ای بدیع در بیان محتوای کتاب عبقات الأنوار استفاده شده، مثل: تلخیص کتاب، تبدیل زبان کتاب از فارسی پیچیده قدیم به عربی روان معاصر، اضافه کردن قسمتی تحت عنوان «ملحق» در بخش سند احادیث، بیان مدارک مطالب نقل شده در عبقات بر اساس چاپ های رایج موجود در شیعه و اهل سنت (ر.ک: طالعی، ۱۳۹۰: ۱).

علاوه بر این تلاش برای احیای شیوه عبقات الأنوار در بررسی احادیث کلامی از سوی مراکز

۱. برای دیدن زندگی نامه «حضرت آیت الله غلامرضا مولانا بروجردی»، ر.ک: سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان، شهر بروجرد (<https://boroujerd.farhang.gov.ir/fa/mafakher/molana>)

علمی متخصص در امامت پی‌گیری شده و پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی در این زمینه در حال تدوین بوده و در «کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه میرحامد حسین لکهنوی» (<https://laknavi.ir>) که گویا پاییز سال ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد، از این فعالیت‌ها رونمایی می‌شود.

۲ - ۳. بازآفرینی حدیث - کلامی

در دوره قرابت حدیث و کلام علاوه بر بازپژوهی آثار کلامی دیگر حوزه‌ها اتفاق دیگری نیز رخ داد و سنت حدیثی - کلامی که ریشه در حوزه‌های کهن شیعه یعنی مدینه، کوفه و بغداد داشت و اتفاقاً حوزه «قمِ اَوَّل» در قرون سوم و چهارم بدان مشهور شده بود (رضوی، ۱۳۹۶: ۲۵۱)، در حوزه نوپدید قم، بازآفرینی و احیاء شد. این نوع از کلام با ویژگی هم‌پوشانی حدیث و کلام، مصداق کامل تقرب علم حدیث به علم کلام بود و نمودهای مختلفی در حوزه علمی قم داشت که در زیر به معرفی سه مورد بسنده می‌شود.

۲ - ۳ - ۱. کتاب «منتخب الأثر» و همسویی حدیث و کلام

آیه الله صافی گلپایگانی (م ۱۴۰۰ ش) از جمله شاگردان آیه الله بروجردی بود که به توصیه آیه الله بروجردی با نوشتن کتاب «مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْأَمَامِ الثَّانِي عَشَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» همراه شدن علم کلام و حدیث در مسئله امامت را به ظهور رساندند و مرحله قرابت حدیث و کلام در حوزه قم معاصر را آغاز کردند. این کتاب، برگزیده‌ای از احادیث کتاب‌های شیعه و اهل سنت بوده (ر.ک: کریمی و دانشی، ۱۴۰۰: ۵۰/۱۵۷ - ۱۷۹) و ۸۳۰ حدیث دربردارد و در ده فصل و هر فصل در چند باب تنظیم شده تا به اثبات وجود و امامت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ و مسائل مرتبط با آن حضرت بپردازد. البته نویسنده گاه در باورقی، توضیحاتی درباره احادیث ذکر کرده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰). ایشان علاوه بر این کتاب کلامی - حدیثی، الهیات در نهج البلاغه را نیز منتشر کرده‌اند که شامل مباحث خداشناسی و برخی از مطالب مربوط به نبوت، برگرفته از احادیث نهج البلاغه است. جالب آن که رفع اختلاف و ایجاد اتفاق و اتحاد را یکی از اهداف این کتاب معرفی می‌کنند (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۱۰) تا پاسخی باشد بر شبهه گروه قرآنیون که با ادعای ایجاد وحدت، قصد کنار گذاشتن حدیث ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را داشتند. این نوع از پاسخگویی‌ها در برابر گروه جداکنندگان قرآن از عترت را در کتاب‌های دیگر ایشان نیز می‌توان مشاهده کرد؛ کتاب‌هایی مثل: پاسخی به کتاب عقیده مهدویت در شیعه امامیه؛ اصالت مهدویت؛ تجلی توحید در نظام

امامت؛ ولایت تکوینی و ولایت تشریحی؛ عقیده نجات‌بخش؛ پیرامون روز تاریخی غدیر و... (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۷۹: ۳۹۳/۶).

شاید ذکر این نکته در دانستن سرگذشت کلام حدیثی مهم باشد که بعد از وفات آیه الله بروجردی، حدیث و کلام همچنان و در کنار هم به رشد خود ادامه می‌دادند تا این که در اواخر دههٔ چهل و اوائل دههٔ پنجاه، اتفاق جدیدی رخ داد و صالحی نجف‌آبادی با تألیف کتاب شهید جاوید، در کنار ضعیف شمردن برخی از احادیث، بعضی از اعتقادات در زمینه علم امام را نیز زیر سؤال برد (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۵۰: ۳۶۷ به بعد). نگارش این کتاب باعث شد تا مکمل بودن حدیث و کلام بیشتر رخ نماید و ضرورت تقویت وجه هم‌پوشانی این دو علم، نمود روشن‌تری به خود گیرد و کتاب‌هایی در نقد و پاسخ به شبهات شهید جاوید نوشته شود و بر رونق کلام - حدیثی در حوزه علمیه قم افزوده شود. از جمله این آثار می‌توان به کتاب حسین علیه السلام شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش نوشته آیه الله لطف‌الله صافی گلپایگانی اشاره کرد (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۶۶). ایشان در این کتاب با بررسی روایات به این نتیجه رسیدند که برنامه امام حسین علیه السلام قیام و شهادت بود و او به آن علم داشت (همان: ۵۷).

۲ - ۳ - ۲. الإلهیات فی مدرسة أهل البيت علیهم السلام

آیه الله العظمی سبحانی (متولد ۱۳۰۸ ش) مؤسس مرکز تخصصی کلام اسلامی، کتاب‌های کلامی متعددی تحریر کردند که برخی از آنها همچون العقیده الاسلامیه علی ضوء مدرسة اهل بیت علیهم السلام و البداء فی الكتاب و السنة را می‌توان در ردیف کتاب‌های کلامی - حدیثی قرار داد؛ لکن به نظر می‌رسد کتاب الإلهیات فی مدرسة أهل البيت علیهم السلام، نگاشته استاد آیه الله علی ربانی گلپایگانی (متولد ۱۳۳۴ ش)^۱ - که آن را در سال ۱۳۷۸ ش منتشر ساخت - (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸)، ویژگی خاصی در میان کتاب‌های کلامی - حدیثی داراست و می‌تواند الگویی برای تحکیم روش کلامی - حدیثی قرار گیرد.

۲ - ۳ - ۳. موسوعة العقائد الإسلامية فی الكتاب و السنة (دانش‌نامه عقاید اسلامی)

آیه الله ری‌شهری، بنیان‌گذار مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث را می‌توان مهم‌ترین شخصیت معاصر در تقریب بین حدیث و کلام دانست. ایشان که پیش از انقلاب و پس از آن و

۱. برای دیدن زندگی‌نامه و آثار «علی ربانی گلپایگانی»، ر.ک: ویکی نور (<https://fa.wikinoor.ir/wiki>)

قبل از تأسیس مؤسسه دارالحدیث، کتاب‌های متعددی درباره اعتقادات دینی مانند: درس‌هایی از اصول عقاید، بهترین راه شناخت خدا، شناخت پیامبران و پیام، عدل در جهان بینی توحید، مبانی خداشناسی و... تألیف کرده بودند^۱، بعد از تأسیس رسمی مؤسسه یادشده به سال ۱۳۷۴ ش، کتاب‌های دیگری همچون: خردگرایی در قرآن و حدیث، اهل بیت در قرآن و حدیث^۲ و... را با همکاری دیگر پژوهشگران این مؤسسه تدوین کردند و سعی‌شان بر این بود تا تمامی روایات مربوط به موضوعات کلامی مورد نظر را از مصادر روایی شیعه و اهل سنت، گردآوری کنند و مصادر روایات را در پاورقی به ترتیب معتبرترین سند بیاورند؛ اما اوج کار ایشان در هم‌افزایی علم کلام و حدیث در کتاب موسوعة العقائد الإسلامية فی الكتاب و السنة^۳ - که دانش‌نامه‌ای است برای عرضه نظام‌مند آیات و احادیث اعتقادی با توضیح و تحلیل بر پایه قرآن و حدیث -، نمود پیدا می‌کند (ر.ک: رضوی، ۱۳۹۳: ۲۴۴ - ۲۴۶). این کتاب که با نام دانش‌نامه عقاید اسلامی^۴ به فارسی ترجمه شده، بعد از گردآوری آیات و احادیث اعتقادی و تنظیم موضوعی آنها، به تحلیل مباحث مهم و حل تعارضات احتمالی می‌پردازد و به برخی شبهات مربوط به عقاید اسلامی پاسخ می‌دهد.

۲ - ۴. کتاب‌های درسی معارف و عقاید

شاید آخرین تلاش‌ها برای هم‌افزایی حدیث و کلام، در مجموعه کتاب‌های درسی معارف و عقاید که تا کنون هفت شماره از آن از سوی دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه نشر یافته، اتفاق افتاده باشد؛ چرا که نویسندگان این کتاب‌ها سعی کرده‌اند در این دوره از کتاب‌ها اعتقادات اسلامی را با براهین عقلی و برگرفته از قرآن و حدیث بیان کنند و جلوه‌ای از همراهی قرآن و حدیث و کلام را ارائه دهند. در واقع هدف آنها این بوده که یک دوره کامل از عقاید دینی یعنی خداشناسی، نبوت، امامت، معاد، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی را با استفاده از استدلال‌های عقلی از قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام استنباط، تبیین و اثبات کنند.

۱. برای دیدن آثار ایشان، ر.ک: کتاب‌شناسی آیه الله ری شهری رحمته‌الله، پایگاه رسمی اطلاع رسانی حوزه:

[/https://hawzah.net/fa/Article/View/105810](https://hawzah.net/fa/Article/View/105810)

۲. برای مطالعه فهرست آثار آیه الله ری شهری، ر.ک: پایگاه حدیث نت (<http://hadith.net/post/55745>) و پایگاه رسمی

محمد محمدی ری شهری (<http://www.reyshahri.ir/posts/3807>)

۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، با همکاری: عبدالهادی مسعودی، علی‌تقی خدایاری و رضا برنجکار، قم: دارالحدیث.

۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، دانش‌نامه عقاید اسلامی، مترجم: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، سوم.

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی تاریخی رابطه کلام و حدیث نشان داد که این دو دانش در دوره اول از تاریخ حوزه قم دوم، اندکی از هم فاصله گرفتند و علم کلام، بیشتر با رنگ فلسفی و مستقل از حدیث نمود یافت؛ لکن بعد از گذشت سه دهه از تأسیس این حوزه، به یکدیگر تقرب پیدا کردند و غربت حدیث به قرابت تبدیل شد و کلام - حدیثی رونقی دوباره یافت و کتاب‌های متعددی به سبک حدیثی - کلامی نشر یافت که ذکر همه آنها در این مجال ممکن نبود و ما به معرفی چند مورد محدود از هزاران مورد، بسنده کردیم.



کتاب‌نامه

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ق)، صحیح البخاری، قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة، دوم.
۲. برقعی، سید ابوالفضل (۱۳۸۸ ش)، درسی از ولایت، بی‌جا: بی‌نا.
۳. برقعی قمی، سید ابوالفضل (الف ۱۳۹۴ ش)، قرآن برای همه، اختصار و مقدمه: عبدالله حیدری، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
۴. برقعی قمی، سید ابوالفضل (ب ۱۳۹۴ ش)، گزیده‌ای از زندگی‌نامه سید ابوالفضل برقعی به قلم خود نویسنده، اختصار و مقدمه: عبدالله حیدری، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
۵. تصدیقی شاهرضایی، علی (اسفند ۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه و عملکرد جریان قرآنیان شیعه»، مجله معارف، شماره ۱۰۷.
۶. تصدیقی شاهرضایی، علی و سید رضا مؤدب (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن قرآنیان شیعه»، پژوهش دینی، دوره ۱۴، شماره ۲۹.
۷. تقوی، سید صادق (۱۳۲۶ ش)، یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان، بی‌جا: بی‌نا.
۸. جعفری، مائده، عبدالمجید طالب‌تاش، فیض الله اکبری دستک (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)، «نقد و بررسی دیدگاه حیدرعلی قلمداران در مسئله امامت حضرت علی (ع)»، مجله پژوهش دینی دوره ۲۰، شماره ۴۳.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، جریان و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران: نشر علم، دوم.
۱۰. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (۱۳۷۹)، گلشن ابرار، زیر نظر: پژوهشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، قم: نشر معروف.
۱۱. خرقانی، اسدالله (۱۳۱۵)، محو الموهوم و صحو المعلوم یا راه تجدید عظمت و قدرت اسلامی، بی‌جا: بی‌نا.
۱۲. دهقانی رضا و جواد علیپور سیلاب (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «اصلاح دینی دوره پهلوی اول با تکیه بر آراء شریعت سنگلجی»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهارم، شماره ۷.

۱۳. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴)، تاریخ اجتماعی ایران (۳جلد)، تهران: امیر کبیر.
۱۴. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸)، الاهیات فی مدرسه اهل البيت علیهم السلام، قم: لوح محفوظ، اول.
۱۵. رحمان ستایش، محمّد کاظم (۱۳۸۴)، «جامع احادیث الشیعة فی أحكام الشریعة»، چاپ شده در: دانش نامه جهان اسلام (جلد ۹)، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۶. رضوی، رسول (۱۳۹۳)، کتاب شناسی احادیث اعتقادی، قم: دارالحدیث، اول.
۱۷. _____ (۱۳۹۶)، تاریخ کلام امامیه، حوزه ها و جریان های کلامی، قم: دارالحدیث، اول.
۱۸. روحانی، مقداد (مرداد ۱۳۸۴)، «مأمور "انجمن سری" در نجف: نگاهی به زندگی و فعالیت های سید اسدالله خرقانی»، زمانه، سال چهارم، شماره ۳۵.
۱۹. زارع، حامد (آبان ۱۳۹۴)، «کدام بازگشت به قرآن»، ماهنامه مهرنامه، سال ششم، شماره ۴۴.
۲۰. سنگلجی، شریعت (۱۳۴۵)، کلید فهم قرآن، بانضمام براهین القرآن، تهران: مؤسسه انتشارات دانش، پنجم.
۲۱. شعار، یوسف (۱۳۶۹ ش)، تفسیر آیات مشکله، تهران: مجلس تفسیر قرآن.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۲ ش)، الهیات در نهج البلاغه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰)، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم: دفتر آیه الله صافی.
۲۴. صافی، لطف الله (۱۳۶۶ ش)، حسین علیه السلام شهید آگاه و رهبر نجات بخش، مشهد مقدس: مؤسسه نشر و تبلیغ چاپ.
۲۵. صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۵۰)، شهید جاوید، قم: بی نا.
۲۶. طالعی، عبدالحسین (بهار ۱۳۹۰)، «کتاب شناسی نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الانوار»، مجله امامت پژوهی، شماره ۱.
۲۷. عجمی، مهدی و جواد امیریان و محمّد اکبری (۱۳۹۷)، «بررسی و نقد دیدگاه قرآنیان شیعه (قرآن بسندگی)»، قم: دبیرخانه چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۲۸. غلامی، فتاح (۱۳۸۹)، «دگراندیشانی که خود را اصلاحگران دینی می نامیدند»، یاد ایام، شماره ۵۶.

۲۹. فرید تنکابنی، عبدالوهاب (۱۳۵۶ ش)، اسلام چنانکه بود، بی‌جا: توحید.
۳۰. قلمداران، حیدرعلی (۱۳۷۳)، سلسله راه نجات از شرّ غلات، بی‌جا: بی‌نا (بارگذاری شده در پایگاه اینترنتی کتابخانه عقیده: www.aqeedeh.com).
۳۱. قلمداران حیدرعلی (۱۳۹۰)، شاهراه اتحاد (بررسی نصوص امامت)، تصحیح و مراجعه: اسحاق دبیری، ریاض: انتشارات حقیقت، دوم.
۳۲. کریمی، احمد و فاطمه دانشی (تابستان ۱۴۰۰)، «پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی علیه السلام در کتاب شریف منتخب الاثر»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هجدهم، شماره ۵۰، صفحه ۱۵۷ - ۱۷۹.
۳۳. کمره‌ای، محمد (۱۳۸۴ ش)، روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای (جلد ۲)، تهران: اساطیر.
۳۴. کوشا، محمدعلی (خرداد و تیر ۱۳۹۰)، «موسوعة الامامة فی نصوص أهل السنة: کتابی بزرگ و مستند به روایت اهل سنت در امامت دوازده امام»، آینه پژوهش، دوره ۲۲، شماره ۱۲۸، صفحه ۶۹ - ۷۶.
۳۵. گرانوفسکی، ادوین آرویدوویچ (۱۳۵۹ ش)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه: کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.
۳۶. لنگرودی، ابوالفضل (مرداد و شهریور ۱۳۷۰)، «نگاهی به روش فقهی مصلح بزرگ، آیه الله بروجردی علیه السلام»، آینه پژوهش، دوره دوم، شماره ۷، صفحه ۷ - ۳۰.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، دانش‌نامه عقاید اسلامی، مترجم: مهدی مهریزی: قم: دارالحدیث، سوم.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، موسوعة العقائد الإسلامية فی الكتاب و السنة، با همکاری: عبدالهادی مسعودی، علی نقی خدایاری و رضا برنجکار، قم: دارالحدیث.
۳۹. محمدی فام، حسین و سید مجید نبوی (تابستان ۱۳۹۷)، «نقد و بررسی دلایل ابوالفضل برقی در مدّعی "قرآن بسندگی در تفسیر"»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صفحه ۹۹ - ۱۲۷.
۴۰. مدرسی چهاردهی، مرتضی (آبان ۱۳۵۲)، «شریعت سنگلجی»، مجله وحید، شماره ۱۱۹.
۴۱. مرعشی، سید شهاب الدین (۱۳۹۷)، موسوعة الامامة فی نصوص أهل السنة، به‌اهتمام: محمود مرعشی نجفی و محمد اسفندیاری، قم: صحیفه خرد و کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.

۴۲. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم (ج ۳)، قاهره: دار الحدیث، اول.
۴۳. موسوی، سید علیرضا (۱۳۷۶)، «گزارشی از لجنة التحقيق احقاق الحق»، فرهنگ کوثر، شماره ۲.
۴۴. موسی‌وند، محسن (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «بررسی ادله قرآنیان ایران در نقد منصوص بودن امامت (مطالعه موردی نقدهای برقی و قلمداران و طباطبایی)»، جستارهایی در فلسفه و کلام، سال پنجاه و دوم، شماره ۱۰۴، صفحه ۱۸۵ - ۲۰۰.
۴۵. هاشمی علی‌آبادی، سید احمد و محمد مهدی داورپناه (زمستان ۱۳۹۸)، «بررسی و نقد مبانی فکری قرآنیون در مورد قرآن‌بستگی و نابسندگی سنت رسول اکرم ﷺ با تکیه بر آراء دکتر احمد صبحی منصور»، نشریه علمی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۹، شماره ۶۱، صفحه ۱۰۵ - ۱۲۸.
۴۶. یعقوبی، محمدایلیا (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «روش‌شناسی نقد کتاب توسط علامه میرحامد حسین هندی در عبقات الأنوار و منبع‌شناسی عبقات الأنوار»، مطالعات حدیث‌پژوهی، سال اول، شماره ۱ و ۲، صفحه ۱ - ۱۸.
۴۷. پایگاه‌های اینترنتی
۴۸. پایگاه اینترنتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان، شهر بروجرد، زندگی‌نامه «حضرت آیه الله غلامرضا مولانا بروجردی»: <https://boroujerd.farhang.gov.ir/fa/mafakher/molana>
۴۹. پایگاه حدیث نت، فهرست آثار آیه الله محمد محمدی ری‌شهری: <http://hadith.net/post/55745>
۵۰. پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی حوزه، کتاب‌شناسی آیه الله ری شهریه: <https://hawzah.net/fa/Article/View/105810>
۵۱. پایگاه رسمی آیه الله محمد محمدی ری‌شهری: <http://www.reyshahri.ir/posts/3807>
۵۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۴)، پایگاه کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران: <https://historylib.com/articles/644>
۵۳. خبرگزاری رسمی حوزه (۱۳۹۴/۱۲/۲۹)، «آیه الله مولانا بروجردی که بود؟»: <https://www.hawzahnews.com/news/374944>
۵۴. ویکی نور، زندگی‌نامه و آثار «علی ربانی گلپایگانی»: <https://fa.wikinoor.ir/wiki>